

## بررسی و تحلیل نقدهای فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان در نشریه تخصصی کتاب ماه کودک و نوجوان (۱۳۷۶-۱۳۹۳)

دکتر عاطفه جمالی<sup>\*۱</sup>

الهام جمشیدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۵

### چکیده

نقد فمینیستی، بخشی از گفتمان فمینیستی است که در پی تجدید نظر در معیارهای نقد و ایجاد سنتی زنانه در ادبیات است. بررسی نقدهای فمینیستی نشریات تخصصی، نقش مهمی در شناسایی مسیر این گرایش در ادبیات کودک و نوجوان و تبیین نقاط قوت و ضعف نقد و نظریه فمینیستی در آرای منتقدان دارد. در این مقاله، در ضمن پژوهشی کیفی و با روش توصیفی و تحلیل محتوای قیاسی استقرایی، مقالاتی که در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۳ در کتاب ماه کودک و نوجوان با رویکرد فمینیستی نقد شده‌اند، بررسی می‌شود و تلاش می‌شود نمایی از وضعیت نقدهای فمینیستی در این نشریه به تصویر کشیده شود. در مجموع از میان ۱۰۷۳ مقاله، ۲۷ مقاله با این رویکرد نقد شده‌اند. زمان، به لحاظ کمی و کیفی، بر نقدها تأثیرگذار بوده‌است. منتقدان زن پرکارترند. پرکاربردترین مؤلفه‌های فمینیستی برگرفته از گرایش‌های لیبرال و تا حدی رادیکال هستند. گرایش به نقد انگلیسی-آمریکایی بیش از دیگر گرایش‌ها است. پرتکرارترین مضمون، نقد مردسالاری و جنبه‌های آن است. برگزیدن عنوان و مقدمه مناسب برای بحث، توجه به نام و تصویر روی جلد اثر، دسته‌بندی موضوعی و درنهایت نتیجه‌گیری همسو با اهداف و ارائه پیشنهاد به مخاطبان و نویسندگان آثار خلاقه از نقاط قوت نقدها است. بی‌توجهی به نظریه‌های نقد فمینیستی ادبیات کودک، عدم استناد به رویکردهای فمینیستی در تحلیل آثار، عدم ارجاع به متن خلاقه برای تأیید مباحث نظری، سود نجستن از منابع دست‌اول و پرداختن به موضوعات نامرتبط با موضوع اصلی از عمده‌ترین اشکالاتی است که در مقالات دیده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** نقد فمینیستی، ادبیات کودک و نوجوان، نشریات تخصصی، کتاب ماه کودک و نوجوان.

\* jamali.atefeh@gmail.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه هرمزگان

## ۱- مقدمه

فمینیسم به عنوان جنبش اجتماعی و فکری، داعیه حمایت از حقوق زنان و ارتقای موقعیت آنها را به عنوان یک گروه در جامعه دارد. انتقاد درونی فمینیسم راه خود را در اندیشه‌های نظریه‌پردازان و منتقدان ادبی نیز گشوده‌است. منتقدان فمینیست، به دنبال بازنگری کلی در نهاد ادبیاتند. آنها اتفاق نظر دارند که «تقسیم‌بندی زیبایی‌شناختی سنتی در نقد ادبی با پیش فرض‌ها و شیوه استدلال مردانه آمیخته شده‌اند؛ به عبارت دیگر شیوه‌های نقد ادبی متأثر از فرهنگ جنسیتی هستند» (آبرامز، ۱۳۸۵: ۷۹۰).

در حوزه نقد ادبیات، فمینیست‌ها در تلاشند بگویند چگونه متن ادبی از نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید جنسی در یک فرهنگ حمایت کرده، یا آنها را منعکس نموده، و یا به مبارزه طلبیده‌است (حسن‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۹). «نقد ادبی فمینیستی به بررسی کمبود کاراکترهای واقعی زنان در آثار نویسندگان مرد می‌پردازد و درعین حال، استفاده زنان از فرهنگ مردسالار را نیز در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد که زنان چگونه از فرهنگ مردسالار پیروی می‌کنند» (تمیزی، ۱۳۷۹: ۴۵).

دامنه جنبش‌های نقد فمینیستی ادبی، به ادبیات کودک و نوجوان نیز کشیده شد. نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان که از گرایش‌های نقد پسا ساختارگراست، در جریان موج دوم فمینیسم شکل گرفت. در دهه‌های بعد با تثبیت نقد ادبیات کودکان و به‌طور خاص نقد فمینیستی، تلاش برای بررسی ادبیات کودک و نوجوان از منظر این نوع نقد و حذف کلیشه‌های تبعیض جنسی از آثار آغاز شد.

در ایران در دهه ۱۳۷۰، شاهد نقدهای پراکنده با موضوع تحلیل و نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان هستیم؛ اما در دهه ۱۳۸۰ این روند سرعت بیشتری یافت. در این دهه، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان شماره تابستان و بهار را به‌طور ویژه به موضوع فمینیسم و نقد فمینیستی اختصاص داد و با طرح جدی این موضوع، توجه جامعه ادبی حوزه کودک و نوجوان را به این مسأله معطوف کرد. در ادامه، چه در کتاب ماه کودک و نوجوان و چه در دیگر نشریات تخصصی کودک و نوجوان، شاهد چاپ مقالات متعدد درباره مباحث نظری فمینیسم و نقد فمینیستی و نقد محتوای آثار ادبی فارسی و ترجمه‌شده کودک و نوجوان از این منظر هستیم.

نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان، از حوزه‌های تازه و نوین نقد ادبی در ایران است. معرفی و تحلیل این نوع نقد می‌تواند منجر به شناخت ضعف‌های نقدهای پیشین و راهگشای منتقدان برای نقد و تحلیل علمی و دقیق آثار ادبی کودک و نوجوان شود. نقدهای زن‌محور

منسجم می‌تواند زمینه آگاه‌سازی فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوان در نگرش به جنس‌ها و شیوه انعکاس تصویر روشن و برابری طلبانه را فراهم کند.

این پژوهش کیفی و با تأکید بر روش توصیفی و تحلیل محتوای قیاسی استقرایی نگاشته شده است؛ به این ترتیب که پس از گردآوری شاخصه‌های نقد ادبی فمینیستی در ادبیات کودک و نوجوان، مقاله‌های مبتنی بر رویکرد فمینیستی در کتاب ماه کودک و نوجوان با توجه به این شاخصه‌ها نقد و بررسی شده است. در این نشریه - که از نشریات تخصصی ادبیات کودک و نوجوان است و از سال ۱۳۷۶ منتشر شده و اکنون با نام فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان به فعالیت خود ادامه می‌دهد - در مجموع ۲۷ مقاله در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۳ با موضوع نقد زن محور به چاپ رسیده است.

با بررسی این مقالات، تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: کدام یک از گرایش‌ها و نحله‌های فمینیسم و نقد فمینیستی بیشتر مورد توجه منتقدان است؟ نقدها بیشتر نوشته منتقدان زنند یا مرد؟ پرتکرارترین مضامین به کاررفته در این نقدها چیست؟ در مجموع چه نقاط ضعف و قوتی در نقدهای فمینیستی این نشریه دیده می‌شود؟

#### ۱-۱- پیشینه پژوهش

درباره مباحث نظری نقد فمینیستی و تصویر زنان در ادبیات کودک و نوجوانان، چندین رساله، مقاله و کتاب نگاشته شده است، اما در زمینه فرآیند نشریات کودک، پژوهش‌های انگشت‌شماری به چشم می‌خورد.

رضوی و مسنن فارسی (۱۳۸۹) به بررسی شیوه‌های استناد در نقدها و مقالات کتاب ماه و پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان پرداخته‌اند. آنها وضعیت استناد را نامطلوب ارزیابی کرده‌اند. صدیقی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی مقاله‌های تألیفی و ترجمه و نقد شعر و داستان‌های منتشرشده در کتاب ماه کودک و نوجوان در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ پرداخته‌اند. آنها رویکردهای نقد سنتی را پربسامدتر از دیگر رویکردها ارزیابی کرده‌اند و بازنویسی و بازآفرینی را موضوعی قابل توجه در مقالات تألیفی عنوان کرده‌اند. کلثوم صالحی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود، کارنامه‌ای توصیفی-تحلیلی از مقاله‌های پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان ارائه کرده است. او در بخش توصیفی با آوردن چکیده مقاله‌ها به معرفی آنها

پرداخته‌است. در بخش انتقادی -ارزشیابی، کیفیت اجزا و بخش‌های مختلف هر مقاله بررسی شده‌است.

## ۲- مباحث نظری

### ۲-۱- فمینیسم و نقد فمینیستی

به‌دست‌دادن تعریفی موجز از فمینیسم دشوار است. زیرا فمینیسم مفهومی چندوجهی و مجموعه از عقاید و کنش‌های متفاوت است؛ اما بنا به رسم متعارف و برای ایجاد پایه‌ای در بحث، فمینیسم را می‌توان چنین تعریف کرد:

«فمینیسم از این نقطه آغاز می‌شود که زنان مورد ستم قرار می‌گیرند و سرکوب می‌شوند و سرکوب آنها مساله مهمی است. وجه مشخصه فمینیسم این است که فرودستی زنان را قابل چون‌وچرا و مخالفت می‌داند. این مخالفت مستلزم بررسی انتقادی موقعیت کنونی و گذشته زنان، و چالش با ایدئولوژی‌های مردسالارانه حاکم است که فرودستی زنان را طبیعی و همگانی و بنابراین اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهند» (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۱).

گستره زمانی و جغرافیایی فمینیسم، منشأ پیدایش گرایش‌های مختلف و انواع نظریات فمینیستی است که در تبیین علل فرودستی زنان زاویه دید خاص خودشان را دارند و برای رهایی زنان از فرودستی راهبردهای ویژه‌ای مطابق با نوع نظریه‌شان پیشنهاد می‌کنند. اندیشمندان فمینیستی برای توصیف نگرش‌ها و مواضع نظری و عملی‌شان از هفت رویکرد عمده بهره می‌گیرند: فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم رادیکال، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم اگزیستانسیالیستی، فمینیسم روانکاوانه، فمینیسم پست مدرن (نک. تانگ، ۱۳۹۳: ۱۶-۲۵). علاوه بر گرایش‌های مشهور نامبرده، در چند دهه اخیر شاهد شکل‌گیری نحله‌های دیگری از فمینیسم هستیم که ریشه در اعتراض به ذات‌گرایی فمینیسم و توجه به مسأله تفاوت در میان زنان دارند. فمینیسم اسلامی، سیاه، اکوفمینیسم، صلح‌طلب و خانواده‌گرا از جمله این نحله‌ها هستند.

نقد ادبی فمینیستی، که بخشی از گفتمان کلی‌تر فمینیسم است، به دنبال تجدیدنظر در معیارهای سنتی نقد و تاریخ ادبیات، از میان برداشتن زبان مردسالارانه و ایجاد سنتی زنانه در ادبیات است. هدف نقد فمینیستی این است که ادبیات را در راستای خدمت به آزادی زنان به کار گیرد. در واقع «نقد فمینیستی نوعی عرض‌اندام جدی در مقابل نهاد ادبیات است» (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۲۵۲). در این نوع نقد، منتقدان بر شیوه‌های متفاوت نوشتن

و خواندن زنان و عوامل مؤثر بر نوع نگارش زنان تمرکز می‌کنند. «منتقدان فمینیست می‌کوشند با برملا کردن شالوده‌های مردسالارانه آثار معتبر، ملاک‌های فرا جنسیتی برای تعیین این آثار و فهم تاریخ ادبیات پیشنهاد کنند تا در نتیجه، ادیبان زن و آثارشان به رسمیت شناخته شوند و جایگاه شایسته خود را در پیکره ادبیات به دست آورند» (پاینده، ۱۳۹۷: ۸۲/۲). آنها معیارها و ساختارهای مردسالار را مورد تردید قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند رهیافت‌های چندگانه‌ای به متون داشته باشند و ادبیات زنانه را مشروعیت بخشند (برسler، ۱۳۸۹: ۲۰۷-۲۰۸).

به دلیل تکرر در دیدگاه‌های فمینیستی سه دسته نقد فمینیستی که به لحاظ جغرافیایی از یکدیگر متمایز می‌شوند به وجود آمده‌است. انگلیسی-آمریکایی، فرانسوی و اقلیت (سیاه). در نقد انگلیسی-آمریکایی که به نقد زن‌محور یا نقد وضعی نیز مشهور است، فمینیست‌ها «معیارهای زیبایی‌شناختی و سیاسی را که آثار معتبر غرب تا آن زمان بر آن استوار بودند، ارزیابی کردند» (کلیگز، ۱۳۸۸: ۱۴۲). شووالتر<sup>۱</sup> که مشهورترین نظریه‌پرداز نقد زن‌محور است، در *بوطیقای نقد فمینیستی* دو مرحله اصلی برای نقد زن‌محور مطرح می‌کند: در مرحله اول به زن در نقش مصرف‌کننده ادبیات مردان و در مرحله دوم به زن به عنوان نویسنده و تولیدکننده متن توجه می‌شود (برتس، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۴). شووالتر در *ادبیاتی از آن خودشان*، تاریخ ادبیات زنان نویسنده را در سه مرحله زنانگی، فمینیستی و زنانه تقسیم‌بندی می‌کند (نک. سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۲۷۳-۲۷۴).

در نقد فمینیستی فرانسوی، تأکید بر نوشتار زنانه است. نوشتاری که پیوند و مشابهتی خاص با پیکر زنانه دارد و در تلاش است سلطه نوشتار مردانه را کنار بزند. بنا به دیدگاه این منتقدان، باید امکاناتی در زبان زنان فراهم شود تا دیگر ناچار نباشند برای نوشتن بر چارچوب‌های مردانه متکی باشند. به اعتقاد الن سیکسو<sup>۲</sup> «نوشتار زنان همواره از سخنی که نظام مردسالار تعیین می‌کند فراتر می‌رود [...] این نوشتار زبان نمادین مردانه را واژگون می‌کند و به زنان هویتی تازه می‌بخشد» (همان: ۲۸۳). او، لوس ایریگارای<sup>۳</sup> و جولیا کریستوا<sup>۴</sup> از سردمداران این نوع نقدند.

1. Eliane Showalter
2. Helen Cixous
3. Luce Irigaray
4. Julia Kristeva

## ۲-۲- نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان

نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان، با تئوری پسا ساختارگرا همراه شد. جریان امروری حاکم بر نقد ادبیات کودکان، همزمان با موج دوم فمینیستی آغاز شد. و در دهه بعد، هم نقد ادبیات کودکان و هم نقد فمینیستی، در دانشگاه‌ها به رشته‌های تثبیت شده بدل شدند و نهادهای ضروری نظیر مجلات تخصصی، انجمن‌های حرفه‌ای و رشته‌های دانشگاهی برای حمایت از پژوهش‌های فمینیستی در ادبیات کودک شکل گرفتند.

تا اوایل سال‌های ۱۹۷۰، منتقدان فمینیستی بر این باور بودند که فرضیه‌های ارائه شده درباره ادبیات خوب شامل داستان‌هایی می‌شود که مردان سفیدپوست نویسنده‌اش هستند، در این دیدگاه جنس مذکر سفیدپوست، به عنوان الگوی هنجار معرفی می‌شود و دیگر افراد، ناپهنجار و فرعی هستند؛ همان‌گونه که پُل<sup>۱</sup> به درستی اشاره کرده‌است تا این زمان هم ادبیات زنان و هم ادبیات کودکان کم‌بهاست و هر دو از سوی جامعه ادبی و تربیتی به حاشیه رانده شده، فرعی تلقی می‌شدند (پل، ۱۳۸۱: ۵۶).

نظریه فمینیستی در مسیر تحقق خود، در پی پافشاری بر این موضوع است که همه کودکان باید موضوع این مطالعات قرار گیرند. منتقدان فمینیست با استفاده از روش‌های ساختارشکنی مأخوذ از دریدا<sup>۲</sup>، مباحث ایدئولوژیک برگرفته از آلتوسر و بوردیو<sup>۳</sup> و ذهنیت‌گرایی اقتباس شده از لکان<sup>۴</sup>، تکنیک‌هایی را برگزیدند تا نشان دهند که فرضیه‌های ایدئولوژیک نهفته در متون ادبیات کودک به چه شکل عمل می‌کنند.

منتقدان و محققان فمینیست ادبیات کودک همچون کلارک<sup>۵</sup>، کید<sup>۶</sup>، مایرز<sup>۷</sup>، پل و دیگران، برای تحقق بخشیدن به یک سنت فمینیستی در ادبیات کودکان، به جست‌وجو در داستان‌های مربوط به دیگری (یا غیر خودی) پرداختند؛ یعنی داستان‌هایی که مفاهیمی چون مادر، دختر و خواهر را پوشش می‌دادند. آنها در این داستان‌ها به دنبال برجسته کردن مفاهیم بیشتر زنانه مثل کثرت‌گرایی، نگاه چندوجهی و به پرسش کشیدن تمایزات قطعی میان جنسیت مذکر - مؤنث بودند.

1. Lissa Paul
2. Jacque Derrida
3. Louis Pierre Althusser & Pierre Bourdieu
4. Jacques Lacan
5. Clark
6. Kidd
7. Myers

منتقدان ادبیات کودک و نوجوان، همسو با منتقدان آمریکایی-انگلیسی ادبیات بزرگسال به دو حوزه زن به عنوان خواننده و زن به عنوان نویسنده متمرکز شدند. در بحث زنان به عنوان خواننده، بررسی آثار ادبی نشان می‌دهد که خواننده مطلوب این نویسندگان، خواننده‌ای است که بی‌چون و چرا سخنان آنها را بپذیرد و با خوانش پیشنهادی آنها متن را بخواند. در بحث زنان به عنوان نویسنده، منتقدان دریافتند برخی از نویسندگان کلاسیک، شخصیت‌های دختر تأثیرگذار و توانمند و به‌طور خاص نویسنده راه، به عنوان شخصیت اصلی داستان برگزیده‌اند. شخصیت‌هایی مثل «جو» در *زنان کوچک* و «آن» در *گرین گیبل* از طریق نوشتن در پی ابراز فردیت خود هستند (نک. تکر و وب، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۹). در کنار آن در برخی متون کودکان، زنان شخصیت‌های مؤنثی را به تصویر می‌کشند که در مواجهه با مشکلات، به‌جای عکس‌العمل‌های خشن فیزیکی، از راه نیرنگ و حقه به جنگ مسائل می‌روند.

منتقدان معتقدند: نویسندگان زن، معمولاً به‌جای استفاده از پیرنگی که یک نقطه اوج دارد از پیرنگ اییزودیک با شاخ و برگ فرعی استفاده می‌کنند. یکی از شگردهای مورد استفاده این نویسندگان، بهره‌گیری از ساختار روایی تودرتو-شیوه داستان در داستان است- که بنا به گفته روبرتا تریتز<sup>۱</sup> «چنین ساختاری خواننده را به یاد بدن حامله مادر می‌اندازد» (Nodelman & Reimer, 2003: 161).

برخی از منتقدان نیز، به تفاوت جسمی دو جنس و تأثیر آن بر شیوه روایت و ضرباهنگ پیرنگ توجه نشان داده‌اند. منتقدانی هم چون گیلبرت و گوبار<sup>۲</sup>، بر این باورند که زنان در نتیجه تفاوت‌های زیست‌شناختی، تجربه فرهنگی، تجربه نویسندگی متفاوتی با مردان را از سر می‌گذرانند. زنان نویسنده از استعاره‌هایی استفاده می‌کنند که لایه درونی، لایه بیرونی را می‌سازد، استعاره‌هایی که بر پایه تجارب جسمانی زاد و ولد، زایمان و قاعدگی پایه‌ریزی شده‌اند (سلدن، ۱۳۷۵: ۲۷۱).

نوع درون‌مایه نیز در آثار زنانه می‌تواند متفاوت باشد. منتقدان، با مطالعه آثار و بررسی شیوه نگارش خاص زنان دریافتند، درون‌مایه آثار بسیاری از نویسندگان زنی که برای جوانان می‌نویسند، کشف خود و سکوت است (Tacker, 2001: 252).

درنهایت، پژوهش جامع لیزا پل، که از منتقدان شناخته شده حوزه نقد ادبیات کودک و نوجوان است، قابل توجه است. او سه موضوع گسترده نقد دانشگاهی ادبیات کودک را که

1. Roberta Seelinger Trites

2. Sandra Gilbert & Susan Gubar

تحت تأثیر تئوری فمینیستی شکل گرفته‌اند ذیل عناوین بازخوانی متن‌ها برای رسیدن به تفسیرهای تازه، بازیافتن و احیای متن‌هایی که مورد بی‌توجهی و کم‌توجهی قرار گرفته‌اند و ساماندهی دوباره نظریه‌های فمینیستی بررسی کرده‌است (Vide. Paul, 2004: 142-150).

## ۲-۳- جنسیت و ادبیات کودک

مسأله جنسیت در ادبیات کودک، متأثر از نگرش‌های زن‌مدار شکل گرفته‌است. چگونگی به تصویر کشیده شدن شخصیت‌ها و رفتارهای وابسته به جنسیت در ادبیات کودک، یکی از دل‌مشغولی‌های همیشگی منتقدانی است که در حوزه مطالعات فمینیستی و حوزه‌های وابسته به آن پژوهش می‌کنند. این منتقدان تلاش می‌کنند نشان دهند که متون ادبیات کودک چگونه کنش‌ها، شخصیت‌ها، رویدادها و پیامدهای خود را جنسیتی می‌کنند. آنها در بررسی‌های خود به این پرسش‌ها می‌پردازند که آیا ادبیات کودک جنسیتی خنثی دارد یا نه؟ و اگر خنثی نیست، مذکر است یا مؤنث؟ مردانه است یا زنانه؟ به گفته شووالتر «نظریه جنسیتی بر این موضوع تأکید دارد که همه نوشته‌ها، نه تنها نوشته‌های زنان، جنسیت دارند. هنگامی که نقد فمینیستی هدف خود را تحلیل جنسیت در گفتمان ادبی قرار می‌دهد، تمامی عرصه‌های متنی مورد توجه قرار می‌گیرد و به کار گرفتن این نظریه امکانی فراهم می‌کند تا پیش‌فرض‌های جنسیتی را از دل نظریه ادبی که خود را خنثی یا بدون جنسیت جلوه می‌دهد بیرون بکشیم» (۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۵).

منتقدان فمینیستی در پرداختن به موضوع جنسیت در ادبیات کودک، میان دو واژه جنس و جنسیت تمایز قائل می‌شوند. گاهی مراد از جنس، جنس فیزیکی و زیست‌شناسی افراد است. در نقطه مقابل گاهی مراد از جنس، نه ویژگی‌های فیزیکی، بلکه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و صفات‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی افراد است که جنسیت در این معنا به دو دسته مردانه و زنانه (یا نگاه مردانه و زنانه) تقسیم می‌شود (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۳۱۵). منتقدانی که ادبیات کودک را بر مبنای جنسیت جسمی بررسی می‌کنند، معتقدند که ادبیات کودک، ادبیاتی مؤنث است؛ یعنی ادبیات کودک به عنوان یک حرفه و سایر حرفه‌های وابسته به آن در سلطه جنس مؤنث قرار دارد. منتقدان دسته دوم که به ادبیات کودک از منظر جنسیت اجتماعی توجه می‌کنند، دریافته‌اند در متون ادبیات کودک، نگرش و جنسیت مردانه بر نگرش و جنسیت زنانه غلبه دارد.



منقدان برای تشخیص مردانه بودن متون ادبیات کودک سنجش‌های متفاوتی ارائه می‌کنند که یکی از رایج‌ترین آنها، نحوه بازنمایی شخصیت‌های مذکر و مؤنث در آثار است؛ بدین ترتیب با بررسی نحوه بازنمایی شخصیت‌های مذکر و مؤنث در ادبیات کودک و شکل انعکاس ویژگی‌های شخصی و اجتماعی، می‌توان به مردانه یا زنانه بودن این متون پی برد. در پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی که برای تعیین جنسیت محتوای ادبیات کودک صورت گرفته همگی بر این نتیجه که ادبیات کودک، ادبیاتی مردسالار است اتفاق نظر دارند (نک. شیخ‌رضایی، ۱۳۸۶: ۵۶).

ادبیات جنسیت یافته با موضوع کلیشه‌های جنسیتی ارتباط مستقیم دارد؛ از این رو بسیاری از منتقدانی که در حوزه‌های مطالعات فمینیستی فعالیت می‌کنند به کلیشه‌های جنسیتی و نمود و کارکرد آن در ادبیات کودک توجه نشان داده‌اند. در کلیشه‌های جنسیتی به خوار شمردن جنسی و بزرگداشت جنس دیگر می‌پردازند. به عبارت دیگر «اشخاص مذکر و مؤنث چنان کلیشه‌بندی شده‌اند که ارزش‌یافتگی گروه نخست از ارزش‌باختگی گروه دوم جدایی‌ناپذیر است» (میشل، ۱۳۷۶: ۲۵).

در ایران نیز برخی محققان تلاش کرده‌اند کلیشه‌های جنسیتی را در ادبیات کودک و نوجوان واکاوی کنند و راه‌حل‌های مختلفی را برای مبارزه با تبعیض جنسی ارائه کنند؛ زیرا معتقدند کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات کودک، نتایج و عواقب زیان‌باری را برای مخاطبی که به همذات‌پنداری با متن می‌پردازد، خواهد داشت. کلیشه‌های جنسیتی به کودکان آموزش می‌دهند که برای رعایت نرُم‌ها و قواعد اجتماعی در باب جنسیت، باید به چه رفتارهایی پایبند بود (نک. انصاریان، ۱۳۹۴ و جمالی، ۱۳۸۹).

یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در باب جنسیت در ادبیات کودک را، جان استیونز<sup>۱</sup> ارائه کرده‌است. او در مقاله «جنسیت و نوع ادبی»<sup>۲</sup> بر کارکرد الگوی خوانش، گفتمان، داستان و معنا که توان جنسیت‌پذیری دارند، تأکید می‌کند. به اعتقاد استیونز «جنسیت‌بخشی» در ادبیات داستانی با شمار شخصیت‌های مؤنث یا مذکر یا حتی چگونگی رفتار این شخصیت‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه جنسیت‌بخشی بر تمام جنبه‌های تولید و دریافت متن تأثیر می‌گذارد. به عقیده او تمام جنبه‌های گفتمان (سخن، کلام) و داستان و معنا (دلالت) در کنار الگوی خوانش دارای بار جنسیتی هستند. به گفته استیونز گفتمان‌های معاصر ادبیات کودک، تلاش می‌کنند با

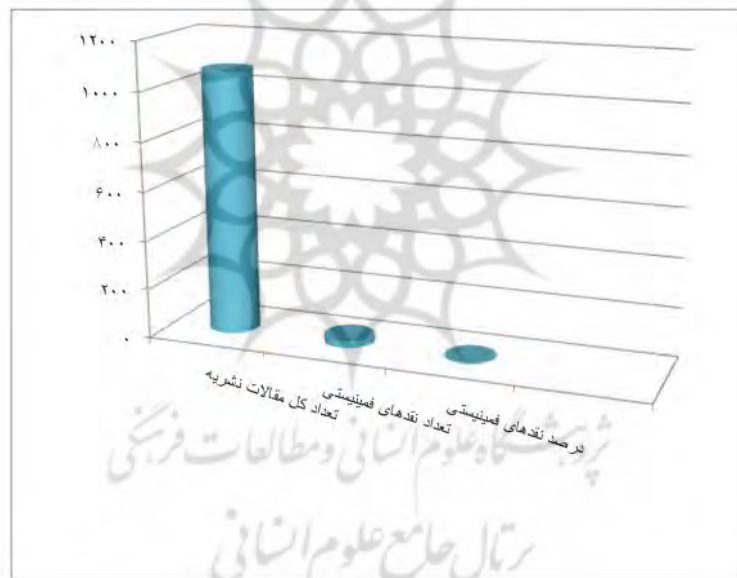
1. John Stevens  
2. Gender and Genre

دیدگاه‌ها و گفتمان‌های سنتی و پدرسالارانه متون ادبیات کودک، با تکیه بر خوانش‌های متفاوت و ایجاد طرحواره‌های نو، مقابله کنند. گام برداشتن در مسیر جنسیت‌زدایی از ادبیات کودک تنها زمانی محقق می‌شود که مردانگی و زنانگی به گونه‌ای بازتعریف شوند که در مقابل هم نباشند (نک. استیونز، ۱۳۸۷: ۹۱-۱۱۲).

### ۳- نقدهای فمینیستی نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان

#### ۳-۱- مجموع نقدهای فمینیستی نشریه

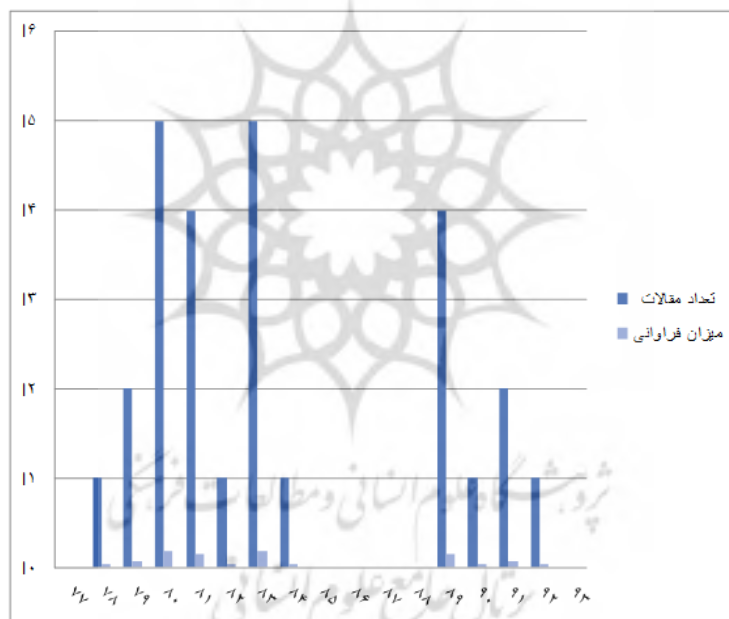
از میان ۱۰۷۳ مقاله نقد (که به نقد آثار داستانی، شعر و تصویرگری پرداخته‌اند) که در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۳ در ۲۰۰ شماره نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان چاپ شده‌است، ۲۷ مقاله به شکل صریح یا ضمنی به نقد فمینیستی آثار پرداخته‌اند که این تعداد ۲/۵۱ درصد از کل مقالات را شامل می‌شود. در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ نقدی که با موضوع پژوهش ارتباط داشته باشد دیده نشد.<sup>(۱)</sup>



نمودار (۱)

### ۳-۲- تأثیر عنصر زمان بر شیوه کار منتقدان

بیشترین نقدهای فمینیستی نشریه، در دهه هشتاد و در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ نگاشته شده‌اند، که نسبت به مقالات دهه ۷۰ هم به لحاظ کمی افزایش یافته‌اند و هم در شیوه و روش نقد منتقدان تغییر چشمگیری حاصل شده‌است. آگاهی از مباحث فمینیستی و روش‌مندی در کار منتقدان این دوره بیشتر دیده می‌شود. بررسی تعداد نقدهای منتشرشده در هر سال و دهه نشان از آن دارد که در دهه نود و در سال‌های اخیر تعداد نقدهای فمینیستی به نسبت دهه هشتاد کمتر است، اما در نقدهای این دهه، تنوع موضوعی، آگاهی از مباحث و نظریات فمینیستی، استناد به منابع دست‌اول و انسجام و روشمندی بیشتری در کار منتقدان دیده می‌شود. به عنوان نمونه به مقالات «چگونگی نبرد و شکست آرمان برابری» از نگین صدری‌زاده (۱۳۹۱) و «چند ساحره ویکتوریایی» از ابوذر کریمی (۱۳۹۱) رجوع و این مقالات با مقالات دهه ۷۰ این نشریه مقایسه شود.

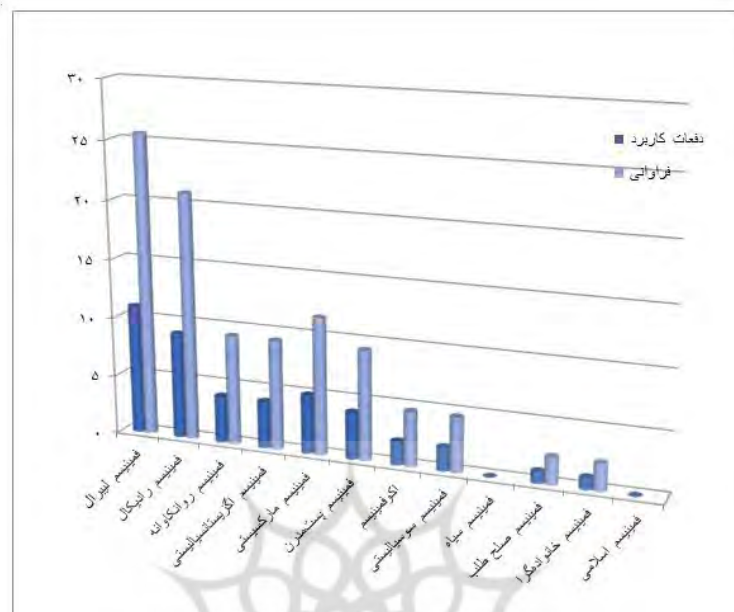


نمودار (۲)

## ۳-۳- رویکردهای فمینیستی در نقدها

در مجموع، در نقدها، از یازده رویکرد فمینیستی در تحلیل مقالات استفاده شده است. فمینیسم لیبرال در ۱۱ مقاله مورد توجه قرار گرفته است، بنابراین این رویکرد فمینیستی در ۲۵/۵۹ درصد مقالات دیده می شود. فمینیسم لیبرال «اولین و شناخته شده ترین شکل اندیشه فمینیستی است و غالباً مترادف خود فمینیسم دانسته می شود» (بیسلی، ۱۳۸۹: ۸۵). لیبرال فمینیست‌ها در پی رفع هرگونه تبعیض و ایجاد برابری کامل بین دو جنس هستند؛ و این کار را نه از طریق تغییر و دگرگونی ساختارها که از طریق اعمال اصلاحات در ساختارهای موجود انجام می دهند. آنها با اعتقاد به برابری زن و مرد، خواهان کسب حقوق شهروندی یکسان برای زنان و مشارکت آنها در تمام نهادهایی هستند که عرصه فعالیت مردانه قلمداد می شود. انصاریان در مقاله «دختری در طوفان سنت» به فمینیسم لیبرال و مؤلفه‌های آن نظر داشته است (نک. ۱۳۸۳ ج: ۳۵-۳۸). در ۹ مقاله از مقالات - که ۲۰/۹۴ درصد از نقدها را در برمی گیرد - از مؤلفه‌های فمینیسم رادیکال در تحلیل مقالات استفاده شده است. مثلاً سنگری در مقاله «وقتی سنت دست‌وپاگیر می شود» به این نوع فمینیسم نظر داشته است (نک. ۱۳۸۰: ۵۲-۵۳). در پنج مقاله، از دغدغه‌های فمینیست‌های مارکسیست در نقد و بررسی مقالات سخن گفته شده است که حدود ۱۱/۶۲ درصد از رویکردهای فمینیستی را شامل می شود. اکرمی در مقاله «حدیث درذایی تبار پابرهنه موره شین» به این نوع فمینیسم توجه کرده است (نک. ۱۳۸۰: ۴۴-۴۸). در چهار مقاله با فراوانی ۹/۳۰ درصد، از مؤلفه‌های فمینیسم روانکاوانه سود جسته شده است. انصاریان در مقاله «سیاره ناشناخته» داستان را با توجه به مؤلفه‌های این نوع فمینیسم تحلیل کرده است (نک. ۱۳۸۳). در چهار مقاله دیگر، رویکرد فمینیسم اگزیستانسیالیستی مورد توجه قرار گرفته است. در مقاله «جنس دوم» از شهره کائدی، همان گونه که از نامش پیداست، به این رویکرد توجه شده است (نک. ۱۳۸۰). به فمینیسم پست‌مدرن نیز به همین میزان توجه شده است. در مقاله «تقابل‌ها در داستان‌های هانس کریستین آندرسن» انصاریان با نظر به این رویکرد داستان‌ها را نقد کرده است (نک. ۱۳۸۳ الف: ۱۱۶-۱۱۹). رویکرد فمینیسم زیست‌بوم‌گرا در دو مقاله با فراوانی ۴/۶۵ به کار رفته است. در مقاله «نشانه‌های نوگرایی در کتاب‌های کودک و نوجوان» به اکو- فمینیسم توجه شده است (نک. انصاریان، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۳). فمینیسم سوسیالیستی نیز به همین میزان مورد توجه قرار گرفته است. کائدی در مقاله «آویز و گریز از سنت» به این

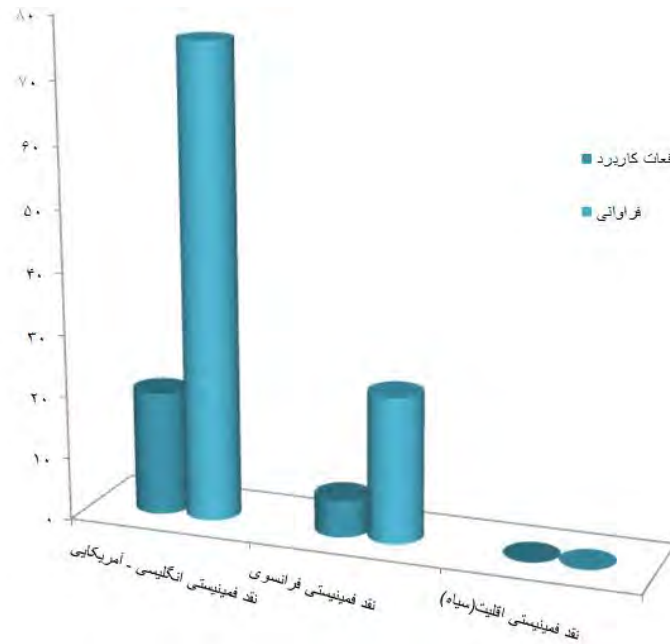
رویکرد نظر داشته‌است. (نک. ۱۳۸۱ الف: ۱۰۳-۱۰۵) گرایش‌های فمینیسم صلح‌طلب و خانواده‌گرا در یک مقاله مورد توجه قرار گرفته که ۲/۳۲ درصد از رویکردها را شامل می‌شود. مقاله «سهم زنان در صلح» نمونه خوبی برای توجه به این رویکردها است (نک. شیخ رضایی، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۷). به فمینیسم سیاه و اسلامی، به دلیل خاص بودن این رویکردها توجهی نشده‌است.



نمودار (۳)

### ۳-۴- گرایش‌های نقد ادبی فمینیستی در نقدها

منتقدان در ۲۰ مقاله از مجموعه مقالات فمینیستی نشریه، به نقد فمینیستی انگلیسی-آمریکایی توجه داشته‌اند که در مجموع ۷۶/۴ درصد نقدها را شامل می‌شود. مثلاً در مقاله «رویکرد دخترانه به ادبیات کودک و نوجوان»، انصاریان به این نوع نقد توجه داشته‌است (نک. ۱۳۸۲: ۹۳-۹۵). در هفت مقاله که ۲۳/۶ درصد از نقدهای فمینیستی را شامل می‌شود، منتقدان به نقد فمینیستی فرانسوی توجه داشته‌اند. مرتضایی و مهربخش در مقاله «مستقل نبودن، مسأله این است»، داستان را با نظر به مؤلفه‌های این نوع نقد، بررسی کرده‌اند (نک. ۱۳۸۹: ۲۰-۲۶). نقد فمینیستی اقلیت به دلیل موضوع خاص آن، مورد توجه قرار نگرفته‌است.



نمودار (۴)

### ۳-۵- مضامین پرکاربرد فمینیستی نقدها

مضامین فمینیستی به کاررفته در مقالات نقدشده را در ذیل دو دسته اعتراض و روشنگری و پیشنهادها و راهکارها می توان بررسی کرد:

#### ۳-۵-۱- اعتراض و روشنگری

درهشت مقاله از مقاله های بررسی شده به موضوع مردسالاری و ساختار مردسالار در جامعه (جوامع قبیله ای، سنتی و روستایی) و خانواده توجه شده است. مردسالاری<sup>۱</sup>، به نظام سلطه مردانه ای گفته می شود که از طریق نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اش زنان را سرکوب می کند. در نظام مردسالار مردان سهم بیشتری از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام دارند (ابوت و والاس، ۱۳۹۳: ۳۲۴). مردسالاری در ضمن ۸ نقد از نقدهای نشریه دیده می شود که ۱۴/۵۴ درصد از مضامین را شامل می شود. مثلاً در مقاله «پدر عصبانی است، فاصله بگیرد»، پدرسالاری نقد شده است (نک. شیخ رضایی، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۵).

1. Patriarchy

منتقدان در ۷ مقاله به شکل صریح به نقد کلیشه‌های جنسیتی (کلیشه‌گرایی) پرداخته‌اند که ۱۲/۷۲ درصد از کل مضامین مطرح‌شده را به خود اختصاص می‌دهد. به عنوان مثال فرانک ذاکر در مقاله «آدم کوچولوها» به نقد کلیشه‌ها پرداخته‌است (نک. ۱۳۸۰: ۳۲-۳۵).

در چهار مقاله به مسأله خشونت و آزار جسمی و روحی زنان اعتراض شده‌است که ۶/۲۵ درصد از مضامین را در برمی‌گیرد. در «حدیث دردزایی تبار پابره‌نه موره‌شین» به این خشونت‌ها اعتراض و واکنش نشان داده شده‌است (اکرمی، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۸).

مقوله بازتولید مادری و نقش‌پذیری دختر از مادر، در یک مقاله از نشریه مورد توجه قرار گرفته که ۱/۸۱ درصد از نقدهای نشریه را شامل می‌شود. این مسأله را فمینیست‌های روانکاو مطرح کرده‌اند. بازتولید مادری از نخستین رابطه مادر/کودک در مرحله پیش‌آدیبی رشد آغاز می‌شود. تقسیم جنسی و خانوادگی کار که طبق آن زنان مادری می‌کنند و بیش از مردان درگیر روابط بین افراد و عاطفی‌اند، منجر به تقسیم ظرفیت‌های روانی دختران و پسران و بازتولید تقسیم کار جنسی و خانوادگی توسط آنها می‌شود. دختر با مادرش همانندسازی و نقش‌های خاص او را تکرار می‌کند، درحالی‌که پسر با پدر تعیین هویت می‌کند. پسر برای این‌همانی جویی با پدر و برقراری ارتباط با دیگران به عرصه عمومی متوجه می‌شود اما دختر بیشتر متمایل به درون و عرصه خصوصی است تا ظرفیت مادرش را برای ارتباط با دیگران، تغذیه‌کننده بودن و مادری کردن بازتولید کند (فریدمن، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۸). انصاریان در مقاله «سیاره ناشناخته» این مسأله را نقد کرده‌است (نک. ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۳).

در سه مقاله، توجه مخاطب به عدم تعارض عقل‌گرایی مردانه با احساسات زنانه جلب شده‌است که ۵/۴۵ درصد از مضامین را در بر می‌گیرد. به عنوان نمونه در مقاله «خرد جنسیت ندارد، احساسات نیز» منتقد به این موضوع پرداخته‌است (نک. انصاریان، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۸).

در دو مقاله بر موضوع تقابل‌های دوگانه و ارتباط آن با مقوله زن/مرد تمرکز شده‌است. این مسأله ۳/۶۳ درصد از موضوعات را در نقدها در بر می‌گیرد. فمینیست‌های پست‌مدرن از محصولات پسا‌ساختارگرایی و شالوده‌شکنی -به‌ویژه مسأله تقابل‌های دوگانه و سلسله‌مراتبی- به سود نظریه‌های خود بهره‌گرفتند. به نظر سیکسو، همه تقابل‌ها مبتنی بر تقابل میان مرد/زن است که به یک ارزیابی مثبت/منفی می‌انجامد. او معتقد است در همه این تقابل‌ها زن همواره در سویه انفعال قرار دارد. از نظر سیکسو با حذف تقابل اصلی خود/

دیگری همه تقابل‌های دیگر فرومی‌ریزد (نک. سیکسو، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۶۴). شهره کائدی در مقاله «جنس دوم» این نوع تقابل‌ها را زیر سؤال برده‌است (نک. ۱۳۸۰: ۴۰-۴۳).

۱/۸۱ درصد از موضوعات فمینیستی مطرح‌شده به مساله اخلاق مراقبتی در زنان اختصاص دارد. کارول گیلیگان<sup>۱</sup> از فمینیست‌های روانکاوی است که به مخالفت با نظر فروید فروید مبنی بر این که زنان درک رشدنیافته‌تری از اخلاق دارند، برخاست. به اعتقاد او درک زنان از این مساله با مردان متفاوت است. تفکر اخلاقی در مردان بیشتر به تصور از عدالت بستگی دارد، در حالی که اخلاقیات در زنان بیشتر ارتباطی است و پیرامون نظام اخلاقی مسئولیت و مراقبت متمرکز است. به اعتقاد او: «اخلاق در زنان و مردان مفاهیم متفاوتی دارد که هر دو به یک اندازه کمال یافته و منسجم و معتبرند» (تانگ، ۱۳۹۳: ۲۶۳). این مقوله در یک شماره مورد توجه قرار گرفته‌است. در این مقاله منتقد کوشیده‌است در ضمن نقد، موضوع اخلاق زنانه را برای مخاطب تشریح کند (نک. انصاریان، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۹).

### ۳-۵-۲- راهکارها و پیشنهادها

در پنج مقاله کلیشه‌زدایی و مقابله با کلیشه‌های تبعیض‌آمیز به عنوان شاخصه مثبت داستان مورد توجه منتقدان قرار گرفته‌است که ۹/۰۹ درصد از مقولات را در بر می‌گیرد. مثلاً در مقاله «دختری در طوفان سنت» این راهکار مثبت در ضمن نقد کتاب *گوتی* ارائه شده‌است (نک. انصاریان، ۱۳۸۳: ج ۳۵-۳۸).

در پنج مقاله، منتقدان به لزوم آگاهی‌بخشی به زنان برای رهایی از وضعیت فرودست خود در آثار نویسندگان توجه نشان داده‌اند که از کل موضوعات مطرح‌شده ۹/۰۹ درصد را به خود اختصاص داده‌است. به عنوان نمونه در «وقتی سنت دست و پاگیر می‌شود» به این مساله پرداخته شده‌است (نک. سنگری، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۳).

در چهار مقاله از نشریه به چگونگی پردازش شخصیت‌های مؤنث و کنش‌های آنها توجه شده‌است که ۷/۲۷ درصد از موضوعات فمینیستی را شامل می‌شود. انصاریان در «رویکرد دخترانه به ادبیات کودک و نوجوان» شیوه شخصیت‌پردازی و کنش‌های دختران را در آثار مژگان کلهر مورد توجه قرار داده‌است (نک. ۱۳۸۲: ۹۳-۹۵).

1. Carol Gilligan

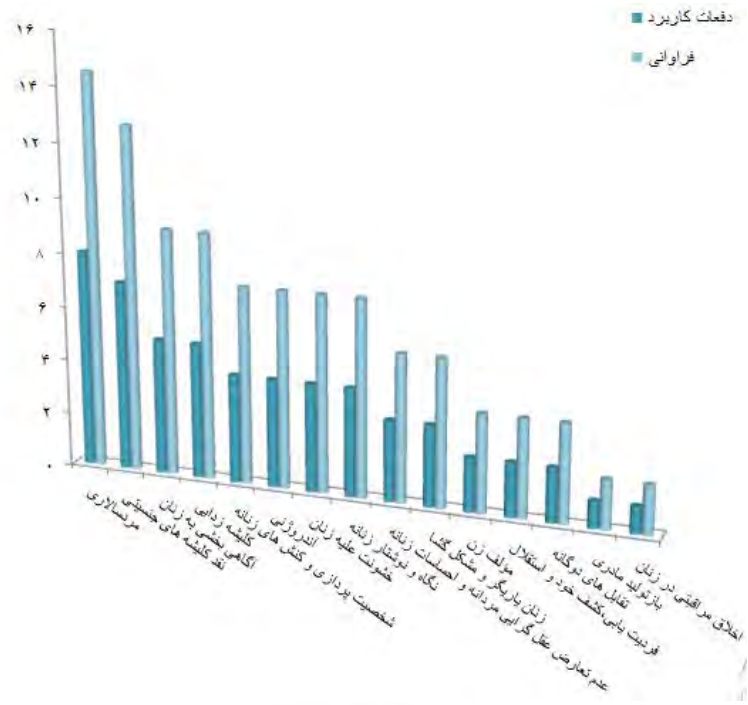


مقوله آندروژنی در چهار مقاله مطرح شده است که ۷/۲۷ درصد از کل موضوعات فمینیستی را در بر می گیرد. «آندروژنی از دو واژه آندرو به معنی مذکر و ژن به معنی مؤنث ساخته شده است» (هام و گمیل، ۱۳۸۲: ۳۴). «در وجود افراد آندروژن ترکیبی از خصلت‌های سنتی زنانه مثل همدردی، رقت قلب، پرورندگی و حساسیت مردانه همچون جسارت، ابتکار، رهبری و سبقت‌جویی دیده می‌شود» (تانگ، ۱۳۹۳: ۵۹). حسین‌یون در نقد کتاب ماده‌شیر سرکش، با برگزیدن عنوان «من شوالیه‌ام یا دخترک؟» نشان می‌دهد که در این مقاله به موضوع آندروژنی توجه دارد (نک. ۱۳۸۹: ۱۹-۲۳).

در چهار مقاله دیگر نیز به مقوله نگاه زنانه در نقد آثار توجه شده است که ۷/۲۷ درصد از موضوعات فمینیستی را به خود اختصاص می‌دهد. به‌عنوان مثال در مقاله «نشانه‌های نوگرایی در کتاب‌های کودک و نوجوان» به موضوع زنانه نویسی توجه شده است (انصاریان، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۳). از میان مقالات بررسی شده در سه نقد، منتقدان به نقش زنان به عنوان مشکل‌گشا و یاریگری آنها توجه نشان داده‌اند، که حدود ۵/۴۵ درصد از کل موضوعات را شامل می‌شود. صالحی در مقاله «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها چه می‌خواهد؟» به نقش پررنگ زنان در پیش‌برد داستان و حل کشمکش‌ها پرداخته است (نک. ۱۳۸۱: ۵۷-۶۳).

مقوله مؤلف زن در دو شماره از کتاب ماه کودک و نوجوان مورد توجه قرار گرفته است که ۳/۶۳ درصد از کل موضوعات را در بر می‌گیرد. در مقاله «مستقل نبودن، مسأله این است» به این موضوع توجه شده است (نک. مرتضایی و مهربخش، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۶).

در دو مقاله از نشریه به مقوله فردیت‌یابی، کشف خود و استقلال و هویت‌یابی زنان و دختران در نقد آثار توجه شده است، که حدود ۳/۶۳ درصد از کل موضوعات نقدشده را شامل می‌شود. به عنوان مثال در «دختران دشت، دختران انتظار» این مسائل در نقد داستان مورد توجه قرار گرفته‌اند (نک. کاندی، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۹).

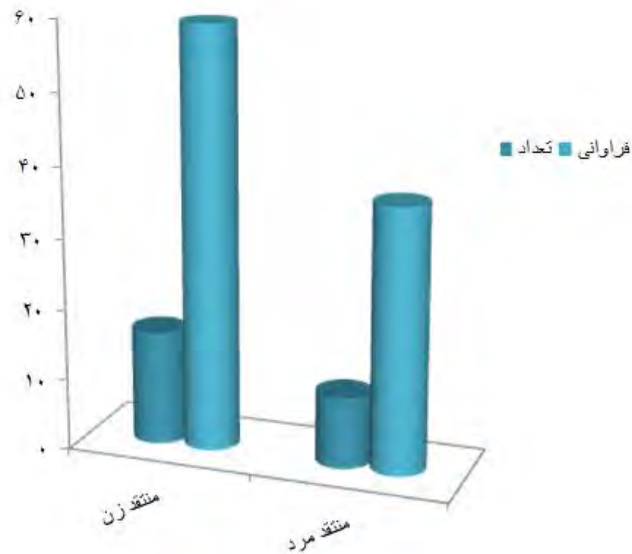


نمودار (۵)

### ۳-۶- جنسیت منتقدان و نویسندگان

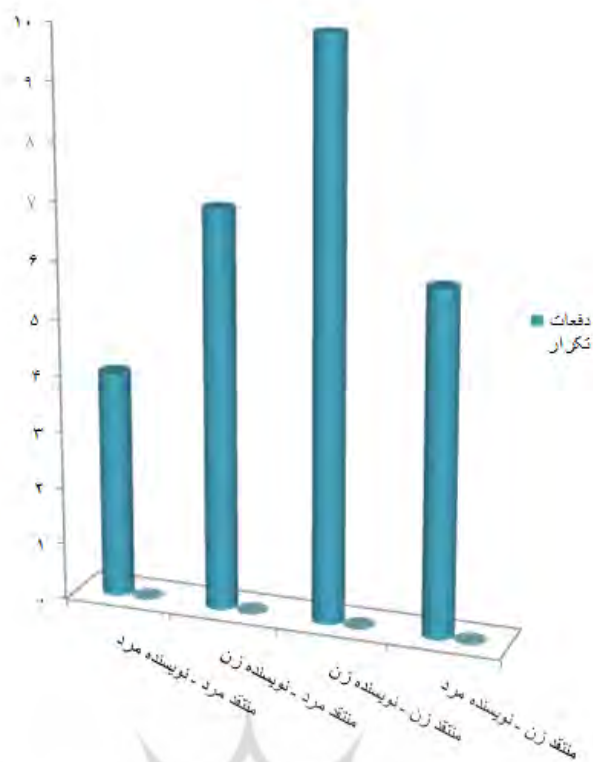
در مجموع ۱۶ منتقد زن و ۱۱ منتقد مرد، به نقد آثار کودک و نوجوان پرداخته‌اند که فراوانی آنها به ترتیب ۵۹/۲۵ درصد و ۴۰/۷۴ درصد است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار (۶)

جنسیت منتقدان- نویسندگان را می‌توان در یک دسته‌بندی چهارگانه جای داد: ۱- منتقد زن- نویسنده زن؛ ۲- منتقد مرد-نویسنده زن؛ ۳- منتقد زن-نویسنده مرد و ۴- منتقد مرد-نویسنده مرد. در ۱۰ مقاله جنسیت منتقد و نویسنده با فراوانی ۳۷/۳ درصد هر دو زن است. در هفت مقاله جنسیت منتقد، مرد و جنسیت نویسنده اثر مورد نقد، زن است که ۲۵/۹۲ درصد را شامل می‌شود. در شش مقاله، یعنی حدود ۲۲/۲۲ درصد، آثار نویسندگان مرد، توسط منتقدان زن، بررسی شده‌است. در ضمن چهار نقد، جنسیت منتقد و نویسنده با فراوانی ۱۴/۸۱ درصد هر دو مرد است. در میان مقاله‌های بررسی شده مقاله‌ای که در شماره ۱۵۵ نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان چاپ شده است، دو مؤلف زن و مرد دارد و به نقد اثری از نویسنده زن پرداخته‌اند.



نمودار (۷)

### ۳-۷- منتقدان پر کار

معصومه انصاریان، بیش از دیگر منتقدان به نقد و تحلیل آثار ادبی کودک و نوجوان پرداخته‌است. بیشترین نقدهایی که در یک سال از یک منتقد به چاپ رسیده‌است متعلق به همین پژوهشگر است. او در سال ۱۳۸۳ چهار نقد در کتاب ماه کودک و نوجوان منتشر کرده‌است و در مجموع ۷ نقد فمینیستی برای این نشریه نگاشته‌است. شهره کاندی با سه مقاله و حسین شیخ‌رضایی با دو مقاله، پس از انصاریان، از پرکارترین منتقدین نشریه در بازه زمانی یادشده هستند.

### ۳-۸- گونه آثار نقد شده و مخاطبان

تمامی آثار نقدشده در دسته ادبیات داستانی کودک و نوجوان جای می‌گیرند و هیچ شعری از شاعران کودک و نوجوان یا تصویری از متن کتاب‌های تصویری از این منظر نقد

نشده‌اند<sup>(۲)</sup>. نقد زن‌محور آثار داستانی را می‌توان در دو دسته بررسی کرد: ۱- نقد داستان‌های فارسی کودک و نوجوان؛ ۲- نقد آثار ترجمه شده برای کودک و نوجوان.

### ۳-۸-۱- نقد داستان های فارسی کودک و نوجوان

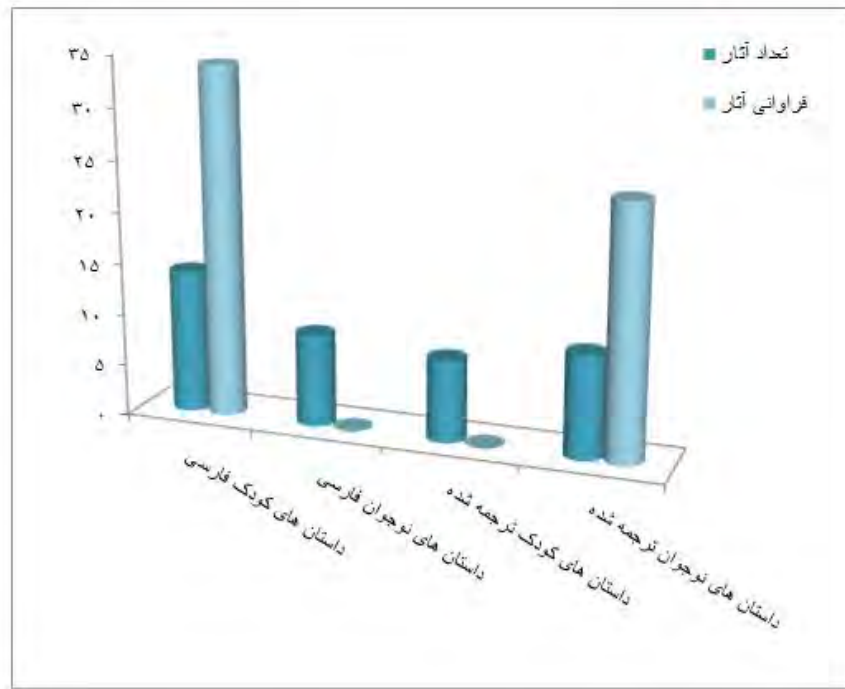
چهارده اثر داستانی (رمان، داستان کوتاه) کودک فارسی در هفت مقاله از این نشریه با رویکردهای فمینیستی نقد شده‌اند که ۳۲/۵۰ درصد از کل نقدهای فمینیستی آثار داستانی کودک و نوجوان را در بر می‌گیرد. در شماره ۸۰ این نشریه، هشت داستان کودک افسانه شعبان‌نژاد در مقاله «سیاره ناشناخته»، از این منظر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در شماره ۹۵ دو اثر داستانی در یک مقاله نقد شده‌اند. در مجموع در ۹ مقاله (۲۰ درصد از کل نقدهای فمینیستی نشریه) منتقدان به نقد آثار نوجوان فارسی پرداخته‌اند، در این مقالات هشت اثر نقد شده‌است. در شماره ۴۸ این نشریه دو نقد بر رمان نوجوان «پابرهنگی تبارم» نوشته شده‌است.

### ۳-۸-۲- نقد آثار ترجمه‌شده برای کودکان و نوجوانان

۹ نقد به داستان‌های کودک ترجمه‌شده اختصاص دارد. البته این تعداد نقد در ضمن سه مقاله گنجانده شده‌است و ۲۲/۵۰ درصد از نقد فمینیستی کل آثار داستانی نشریه را شامل می‌شود. در شماره ۸۹ هفت قصه از اندرسن<sup>۱</sup> در ضمن یک مقاله از انصاریان نقد شده‌است. ده اثر نوجوان ترجمه‌شده در ضمن ۸ مقاله نشریه نقد شده‌اند که حدود ۲۵ درصد از کل نقدهای فمینیستی آثار داستانی کودک و نوجوان را در بر می‌گیرد. در شماره‌های ۴۴ و ۵۷ و ۵۸ داستان «شهربانو» در دو مقاله نقد شده‌است. در شماره ۱۷۳ مجموعه سه‌گانه «دختران کابلی» و در شماره ۱۸۵، دو داستان «پم، بهترین اتفاق زندگی» و «ورث، دختری که دوست نداشت جادوگر شود» در یک مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Hans Christian Andersen



نمودار (۸)

#### ۴- تحلیل نهایی

از میان ۱۰۷۳ مقاله نقد آثار داستانی، شعر و تصویرگری که از آغاز انتشار کتاب ماه کودک و نوجوان تا سال ۱۳۹۳ در ۲۰۰ شماره چاپ شده‌اند، ۲۷ مقاله به شکل صریح یا ضمنی به نقد فمینیستی آثار مختلف پرداخته‌اند (در ۱۷ مقاله نقد زن محور موضوع اصلی نقد و در ۱۰ مقاله در ضمن موضوعات محوری دیگر به این موضوع نیز پرداخته شده‌است). بررسی‌ها حکایت از آن دارد که در سال‌های نخست چاپ نشریه، نقد فمینیستی چندان مورد توجه منتقدان نیست، اما در ادامه و با گسترش توجه منتقدان به نحله‌های مختلف نقد، تعداد نقد زن محور نیز فزونی یافته‌است. در دهه ۸۰، تعداد نقدها به لحاظ کمی بیش از دهه پیش است و به موازات آن در شیوه و روش نقد منتقدان نیز تغییرات چشمگیری دیده می‌شود. در دهه ۹۰، تعداد نقدهای فمینیستی به نسبت دهه هشتاد کمتر است اما در نقدهای این دهه تنوع و گستردگی موضوع، آگاهی از مباحث نظریات فمینیستی، استناد به منابع دست‌اول معتبر فمینیستی و انسجام و روشمندی بیشتری دیده می‌شود. این مسأله نشان از

آگاهی روزافزون و توجه جدی منتقدان ادبیات کودک و نوجوان به پژوهش روشمند و علمی در حوزه‌های نقد، از جمله نقد زن محور دارد. پس مقوله زمان بر نقدهای فمینیستی منتشرشده در نشریه به لحاظ کمی و کیفی تأثیر گذار بوده‌است.

از میان نحله‌های متعدد فمینیسم، توجه به مؤلفه‌های فمینیسم لیبرال بیش از دیگر نحله‌هاست. البته با کمی اختلاف به فمینیسم رادیکال نیز توجه شده‌است. شاید دلیل توجه به فمینیسم لیبرال به عنوان قدیمی‌ترین نحله، معتدل بودن آن است. در این نوع فمینیسم تلاش فمینیست‌ها بر رهاسازی زنان از نقش‌های محدودکننده و جایگاه فروتر است. پس مساوات‌طلبی شعار آنهاست و تلاشی برای تغییر ساختاری و زیربنایی که خود عامل ایجاد نابرابری و مشکلات زنان است، دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد منتقدان ادبیات کودک، پرداختن به مسأله عدم تساوی دو جنس و نقش‌های محدودکننده و خاص زنانه و مردانه را در اولویت قرار داده‌اند و برآنند که تمرکز بر این مسائل تأثیرگذارتر از موضوعاتی است که در نحله‌های نوتر فمینیسم مطرح شده‌است.

گرایش منتقدان به نقد ادبیات انگلیسی- آمریکایی بیش از دو گرایش دیگر نقد فمینیستی است. توجه به نوع انعکاس شخصیت‌های مؤنث و شیوه شخصیت‌پردازی آنها در ادبیات کودک، کلیشه‌های محدودکننده، تقابل‌های دوگانه، و تلاش برای توانمندسازی معناها و مضامین زنانه و تشویق خالقان آثار ادبی برای خلق دیگر گونه ادبیات کودک از جمله مسائلی است که این نقدها را با نقد انگلیسی- آمریکایی مرتبط می‌کند. این نوع نقد به نسبت نقد فمینیستی فرانسوی که در ارتباط با روانکاوی است و مسأله نگارش زنانه را مورد توجه قرار می‌دهد، ساده‌تر و همه‌فهم‌تر است. به نظر می‌رسد منتقدان با آگاهی نسبت به پیچیدگی و ابهام نقد فرانسوی و دشواری تبیین وجوه آن در ضمن یک نقد کوتاه چندصفحه‌ای، بیشتر توجه خود را معطوف به مؤلفه‌های نقد آمریکایی- انگلیسی کرده‌اند.

بررسی‌ها نشان داد منتقدان زن نسبت به منتقدان مرد پرکارترند. به همان نسبت تعداد آثار بررسی‌شده از نویسندگان زن نیز بیشتر است. منطقی است که نقد فمینیستی توجه پژوهشگران زن را بیش از مرد به خود معطوف می‌کند، علاوه بر آن منتقدان با نظر به مؤلفه‌های نقد فمینیستی ترجیح داده‌اند بیشتر، آثار نویسندگان زن را نقد و بررسی کنند. در این میان معصومه انصاریان بیش از دیگران دغدغه بررسی آثار مختلف را از این منظر دارد. البته این

پژوهشگر از طرح پژوهشی خود با عنوان «بازتاب نقش زن در آثار شاخص ادبیات کودک و نوجوان» برای سامان‌دادن به این نقدها سود جسته‌است.

آثار کودک بیش از آثار نوجوان از این منظر بررسی شده‌اند. به نظر می‌رسد منتقدان از این موضوع آگاهند که هرچه سن کودک کمتر باشد بیشتر کلیشه‌های جنسی را درونی می‌کند. نهادهای جامعه‌پذیری در جریان جامعه‌پذیری، زمینه انتقال و استمرار و دوام نقش‌های جنسیتی را فراهم می‌کنند؛ یکی از کاربردی‌ترین این نهادها کتاب‌ها هستند. پس منتقدان با نظر به این موضوع بیشتر بر نقد آثار کودکان تمرکز کرده‌اند تا بتوانند زمینه‌های آگاه‌سازی نویسندگان کودک را فراهم کنند.

از میان نوزده مقوله فمینیستی پرتکرارترین مضمون در نقد مقالات، مردسالاری و ساختار مردسالار در جامعه و خانواده است. یکی دیگر از مضامین فمینیستی پرتکرار در نقد مقالات، توجه به کلیشه‌های تبعیض جنسی در آثار داستانی است که به دو صورت کلی در نقدها نمود یافته‌است: ۱- مقالاتی که کلیشه‌گرایی در کتاب‌های کودک و نوجوان را نقد کرده‌اند و ۲- آثاری که کلیشه‌زدایی و مقابله با کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در آنها به عنوان شاخصه مثبت کار نویسندگان مورد توجه قرار گرفته‌است. با توجه به اینکه این موضوعات از موضوعات مورد توجه فمینیست‌های لیبرال و رادیکال بوده و در نقد فمینیستی انگلیسی-آمریکایی کاربرد دارد، و با نظر به اینکه منتقدان نقدها بیشتر بر این نحل‌ها تمرکز کرده‌اند، طبیعتاً واکاوی این موارد را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند.

##### ۵- نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل مقالات نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان، از منظر نقد فمینیستی نشان از آن دارد که با وجود تنوع و وسعت و شمار فراوان مقالات، تعداد نقدهای زن‌محور اندک است و پرداختن به این نوع خاص از نقد، دغدغه تعداد کمی از منتقدان ادبیات کودک در برهه زمانی مورد پژوهش است. خوانش همین تعداد اندک شمار نقدهای فمینیستی حکایت از آن دارد که پژوهش‌ها با گذر زمان از نظر شمار و محتوا کاربردی‌تر و منسجم‌تر شده‌اند.

فمینیسم معتدل لیبرال و مولفه‌های آن و در درجه بعد فمینیسم رادیکال بیش از انواع دیگر فمینیسم، که دغدغه‌ها و مباحث تازه‌تری را در حوزه زنان مطرح می‌کنند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. توجه به این گونه‌های ساده و قابل فهم در نهایت سبب روی آوری بیشتر به نقد



فمینیستی آمریکایی-انگلیسی شده‌است که بیشتر به تبیین مباحثی همچون دوگانگی و تفاوت در شخصیت‌پردازی زنانه و مردانه و کلیشه‌ها می‌پردازد. توجه به این‌گونه از نقد باعث شده‌است که مضامینی چون ساختار مردسالار در فرهنگ و پیش‌داوری‌های تبعیض‌آمیز، تکرار و فراوانی غالبی در مقالات داشته باشند.

کارنامه منتقدان زن در مقایسه با منتقدان مرد درخشان‌تر است و این منتقدان بیشتر توجه و تمرکز خود را بر نقد و بررسی آثار نویسندگان زن معطوف کرده‌اند. از میان گونه‌های ادبی تنها نقد آثار داستانی مورد توجه است و اشعار کودک و نوجوان و تصویرگری کتاب‌ها (به‌جز تصویر روی جلد) از این منظر بررسی نشده‌اند. آثار داستانی کودک در مقایسه با آثار نوجوان بیشتر از سوی منتقدان برای نقد و تحلیل برگزیده شده‌اند. انتخاب عنوان مناسب و مرتبط با موضوع نقد، آغاز و مقدمه مناسب برای ورود به بحث اصلی، توجه به نام و تصویر جلد کتاب و ارائه نقد فمینیستی از آن، ایجاد دسته‌بندی موضوعی در پرداختن به موضوعات مورد بحث و نتیجه‌گیری همسو با اهداف پژوهش و ارائه راهکار و پیشنهاد به مخاطبان و نویسندگان در نقد فمینیستی از نقاط قوت این نقدهاست. بی‌توجهی به روش‌ها و نظریه‌های نقد فمینیستی- به ویژه نقد فمینیستی ادبیات کودک- و در نتیجه ارائه نقدهای ذوقی و سلیقه‌ای، عدم استناد به گرایش‌ها و رویکردهای فمینیستی در تحلیل و نقد آثار، عدم ارجاع درون‌متنی و شواهدی از آثار مورد بررسی در تأیید مطالب فمینیستی مطرح‌شده، سودجستن از منابع دست‌اول معتبر فمینیستی، نپرداختن به مطالب کلیدی و محوری نظری، به دلیل محدودیت در حجم مقاله، از جمله اشکالاتی است که در مقالات به شکل جسته و گریخته دیده می‌شود.

در دوره‌ای که این منتقدان به نقد فمینیستی آثار کودک و نوجوان پرداخته‌اند، نظریات تخصصی و خاص فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان دست‌کم در ایران مطرح نبوده‌است و بیشتر تمرکز منتقدان این نشریه از آغاز تا سال ۹۳ بر سودجستن از نظریات نقد فمینیستی ادبیات بزرگسال بوده‌است؛ آغازگران این حوزه از نقد در ادبیات کودک، رسالت آگاه‌سازی خالقان آثار ادبی را با سودجستن از نظریه‌های عام نقد فمینیستی برعهده گرفته‌اند. اکنون با گذر زمان، با توجه به گسترش و تدوین نظریه‌های ویژه ادبیات کودک و نوجوان، از جمله نظریاتی که با نقد فمینیستی ادبیات کودک مرتبطند، قطعاً منتقدان می‌توانند جریان منسجم و روشمندی در نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان ایجاد کنند. نوع نقدهای فمینیستی ادبیات کودک همچون دیگر نقدها تحت تأثیر عوامل مختلفی است. به نظر

می‌رسد میان نوع نقد و تغییرات کمی و کیفی آن با تحولات اجتماعی نسبت مستقیمی وجود دارد. می‌توان این نقدها را از این منظر نیز واکاوی و تحلیل کرد.

### پی‌نوشت

- ۱- لازم به ذکر است که این نشریه از سال ۱۳۷۴ آغاز به کار کرد و انتشار آن تا سال ۱۳۸۶ ادامه داشت و پس از یک دوره توقف چهارساله (در فاصله سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۰) از سال ۱۳۹۰ دوباره فعالیت خود را از سر گرفت.
- ۲- در برخی از نقدها، تنها تصویر روی جلد از این منظر واکاوی شده‌است.

### منابع

- آبرامز، ام. اچ. ۱۳۸۵. «نقد ادبی فمینیستی». ترجمه س. واصفی. چیستا، (۲۳۰): ۷۸۸-۷۹۵.
- آبوت، پ. و والاس، ک. ۱۳۹۳. *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه م. نجم‌عراقی. تهران: نی.
- استیونز، ج. ۱۳۸۷. «جنسیت و نوع ادبی». ترجمه ا. حسینی. *دیگرخوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریه ادبیات کودکان*، به کوشش م. خسرونژاد. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اکرمی، ج. ۱۳۸۰. «حدیث دردزایی تبار موره‌شین». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۴۸): ۴۴-۴۸.
- انصاریان، م. ۱۳۸۱. «روایت آرزوهای گمشده». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۶۱): ۴۵-۴۹.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۲. «رویکرد دخترانه به ادبیات کودک و نوجوان؛ سیری تطبیقی در داستان‌های مژگان کلهر». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۷۶): ۹۳-۹۵.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۳ الف. «تقابل‌ها در داستان‌های هانس کریستین اندرسن». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۸۹): ۱۱۶-۱۱۹.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۳ ب. «خرد جنسیت ندارد، احساسات نیز». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۸۷): ۶۵-۶۸.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۳ ج. «دختری در طوفان سنت». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۸۶): ۳۵-۳۸.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۳ د. «سیاره ناشناخته». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۸۰): ۹۹-۱۰۳.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۴. «نشانه‌های نوگرایی در کتاب‌های کودک و نوجوان». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۹۵): ۴۰-۴۳.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۹۴. *ادبیات مذکر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*.
- برتس، ه. ۱۳۹۱. *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه م. ر. ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
- برسler، چ. ۱۳۸۹. *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه م. عابدینی فرد. تهران: نیلوفر.

- بیسلی، ک. ۱۳۸۹. *درآمدی بر نظریه فمینیستی؛ چیستی فمینیسم*، ترجمه. م. زمردی. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پاینده، ج. ۱۳۹۷. *نظریه و نقد ادبی*، ج ۲. تهران: سمت.
- پل، ل. ۱۳۸۱. «رویکرد گسترده نقد فمینیستی ادبیات کودک و نوجوان». ترجمه ع.ر. کرمانی. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، (۲۸): ۵۳-۶۸.
- تانگ، ر. ۱۳۹۳. *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه م. نجم عراقی. تهران: نی.
- تکر، د.ک. و وب، ج. ۱۳۹۱. *درآمدی بر ادبیات کودک؛ از رمانتیسیم تا پست‌مدرنیسم*، ترجمه مؤسسه خط ممتد اندیشه. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- تمیزی، ب. ۱۳۷۹. «تاریخچه نقد ادبی فمینیستی». *جنس دوم (مجموعه مقالات)*، گردآورنده ن. خراسانی. ج ۶ و ۷. توسعه: ۴۲-۵۶.
- جمالی، ع. ۱۳۸۹. *پژوهشی جنسیت‌گرایانه در ادبیات کودک و نوجوان؛ با تحلیل داستان‌های فانتزی پس از انقلاب اسلامی*، رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- حسن آبادی، م. ۱۳۸۱. *مکتب اصالت زن (فمینیسم) در نقد ادبی*، مشهد: نیکو نشر.
- حسینیون، ا. ۱۳۸۹. «نگاهی به کتاب ماده شیر سرکش؛ من شوالیه‌ام یا دخترک؟». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۱۵۱): ۱۹-۲۳.
- ذاکر، ف. ۱۳۸۰. «آدم کوچولوها». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۴۳): ۳۲-۳۵.
- رضوی، ع. و مسنن فارسی، ج. ۱۳۸۹. «وضعیت استناد در پژوهش‌نامه و کتاب ماه کودک و نوجوان». *مطالعات ادبیات کودک*، (۲): ۷۱-۱۰۰.
- سلدن، ر. ۱۳۷۵. *نظریه ادبی و نقد عملی*، ترجمه ج. سخنور و س. زمانی. تهران: پیوندگان نور.
- سلدن، ر. و ویدوسون، پ. ۱۳۹۲. *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه ع. مخبر. تهران: طرح نو.
- سنگری، ف. ۱۳۸۰. «وقتی سنت دست‌وپاگیر می‌شود». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۴۴): ۵۲-۵۳.
- سیکسو، ا. ۱۳۸۷. «بر آشوبی‌ها». به سوی پسامدرن، ترجمه پ. یزدانجو. تهران: مرکز. ۵۱-۱۶۴.
- شووالتر، ا. ۱۳۸۹. «نقدی از آن خود». *زن و ادبیات*، ترجمه م. نجم عراقی و م. صالحپور. تهران: چشمه. ۱۰۱-۱۳۸.
- شیخ‌رضایی، ج. ۱۳۷۸. «پدرعصبانی است، فاصله بگیرید». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۲۱): ۲۴-۲۵.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۹. «سهم زنان در صلح». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۳۲): ۲۶-۲۷.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۶. «اگر زیبایی خفته پسر بود». *پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان*، (۵۱): ۵۴-۶۰.
- صاعلی، ش. ۱۳۸۱. «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها چه می‌خواهد؟». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۶۳): ۵۷-۶۳.

- صالحی، ک. ۱۳۹۲. کارنامه توصیفی تحلیلی مقاله‌های پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش ادبیات کودک و نوجوان. شیراز: دانشگاه شیراز.
- صدری‌زاده، ن. ۱۳۹۱. «چگونگی نبرد و شکست آرمان برابری». کتاب ماه کودک و نوجوان، (۱۸۲): ۴۳-۴۷.
- صدیقی، م. و جمالی، ع. و کهن سلوکویی، ز. «نقد و نظریه ادبیات کودک به روایت کتاب ماه کودک و نوجوان». مطالعات ادبیات کودک، (۱۳): ۱۰۷-۱۱۳.
- فریدمن، ج. ۱۳۸۹. فمینیسم، ترجمه ف. مهاجر. تهران: آشتیان.
- کائدی، ش. ۱۳۸۰. «جنس دوم». کتاب ماه کودک و نوجوان، (۴۸): ۴۰-۴۳.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۱ الف. «آویز و گریز از سنت». کتاب ماه کودک و نوجوان، (۶۵): ۱۰۳-۱۰۵.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۱ ب. «دختران دشت، دختران انتظار». کتاب ماه کودک و نوجوان، (۵۷ و ۵۸): ۳۸-۳۹.
- کریمی، ا. ۱۳۹۱. «چند ساحره ویکتوریایی». کتاب ماه کودک و نوجوان، (۱۸۵): ۴۱-۴۵.
- کلیگز، م. ۱۳۸۸. درسنامه نظریه ادبی، ترجمه ج. سخنور و دیگران. تهران: اختران.
- مرتضایی، م. و مهربخش، ی. ۱۳۸۹. «مستقل نبودن، مسأله این است». کتاب ماه کودک و نوجوان، (۱۵۵): ۲۰-۲۶.

میشل، الف. ۱۳۷۶. پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه م.ج. پوینده. تهران: نگاه.

هام، م. و گمبل، س. ۱۳۸۲. فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه ف. مهاجر و ن احمدی خراسانی. تهران: توسعه.

- Nodelman, P. & Reimer, M. 2003. *The Pleasure of children's literature*, Third Edition. Inc: Ally and Bacon.
- Paul, L. 2004. "Feminism revisited". in *International companion Encyclopedia of children's Literature*, P. Hunt (ed.). Secand edition. London & New York: Routledge. 141-152.
- Tacker, D. 2001. "Feminine Language and the Politics of Children's Literature". *A critical Journal OF children's literature The Lion and Unicorn*, Volume25. (1): 3-16.